

Investigating the Role of the Aesthetic and Artistic Dimension in Religious Education (Especially the Obligatory Prayer) from the Perspective of the Holy Quran

Seyed Aqeel Nasimi / Assistant Professor, Department of Theology Education, Farhangian University, Tehran, Iran

sa.nasimi@cfu.ac.ir

 Masoumeh Keramati / Assistant Professor, Department of Education, Esfarayen Higher Education Complex

Received: 2024/01/07 - Accepted: 2024/05/14

Masoumeh.keramati@yahoo.com

Abstract

Education is of particular importance in childhood. It shapes the personality of individuals and conveys concepts in an appropriate and correct manner. One of the most effective ways of educating children and adolescents is the use of the aesthetic and artistic method. Given the undeniable role of stories in conveying concepts, literature and art can be the best means of reflecting concepts in general, and Islamic concepts in particular. Emphasizing on the role of stories in the Holy Quran, the present study aims to investigate the role of this educational dimension in promoting the obligatory prayer. To achieve this goal, the descriptive-analytical method was used. The findings of the study indicated that the aesthetic and artistic aspect can play an important role in transmitting Islamic teachings and promoting and developing the culture of prayer. It can lead to deeper learning if the following requirements are met: attention to and utilization of religious elements (beliefs as the cognitive and insight aspect, internal states as the emotional and emotional aspect, internal commitment as the decision-making aspect, will, choice, and action) and educational elements. In transmitting religious concepts and religious education the key and influential characteristics and components in the stages of growth (introduction, discipline, puberty and the peak of puberty, moderation and elevation) and the correct and methodical transition from childhood to adulthood must be considered. Besides, rationality, desirability, humanity, and agency should be cultivated at each stage of growth.

Keywords: prayer, art, aesthetic, story, fiction.


نوع مقاله: ترویجی

بررسی نقش ساحت زیبایی‌شناختی و هنری در تربیت عبادی (به‌ویژه فریضه نماز) از منظر قرآن کریم

sa.nasimi@cfu.ac.ir

masoomeh.keramati@yahoo.com

سیدعقیل نسیمی / استادیار گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

معصومه کرامتی  / استادیار گروه معارف مجتمع آموزش عالی اسفراین

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷

چکیده

تربیت در دوران کودکی به لحاظ شکل‌گیری شخصیت افراد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، و انتقال مفاهیم به شیوه مناسب و صحیح اهمیت آن را دوچندان می‌کند. یکی از مؤثرترین پیام‌رسان‌ها به کودکان و نوجوانان استفاده از روش زیبایی‌شناختی و هنری است. با توجه به نقش انکارناپذیر قصه در انتقال مفاهیم، ادبیات و هنر می‌تواند بهترین وسیله برای انعکاس مفاهیم به طور اعم و مفاهیم اسلامی به طور اخص باشد.

تحقیق پیش‌رو با هدف بررسی نقش این ساحت تربیتی در ترویج فریضه نماز با تأکید بر نقش قصه و داستان در قرآن کریم صورت پذیرفته است. برای دستیابی به این هدف، فراخور موضوع از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که ساحت زیبایی‌شناسی و هنری قادر است در انتقال آموزه‌های اسلامی و ترویج و توسعه فرهنگ نماز نقش مهمی ایفا کند و موجب یادگیری عمیق‌تر شود که البته نیازمند پشتوانه و پیش‌زمینه‌هایی از جمله، توجه و بهره‌گیری از عناصر دینی (اعتقادات به عنوان وجه شناختی و بینشی، حالات درونی به عنوان وجه عاطفی و هیجانی، التزام درونی وجه تصمیم‌گیری، اراده و انتخاب و در نهایت عمل) و عناصر تربیتی است. در انتقال مفاهیم دینی و تربیت دینی ضمن توجه به ویژگی‌ها و مؤلفه‌های کلیدی و تأثیرگذار در مراحل رشد (تمهید، تادیب، بلوغ و اوج بلوغ، اعتدال و اعتلا) و گذار صحیح و روشمند از کودکی به بزرگسالی، در هر مرحله از مراحل رشد، عقلانیت، مطلوبیت، انسانیت و عاملیت می‌بایست مورد پرورش قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نماز، هنر، زیبایی‌شناختی، قصه، داستان.

مقدمه

بزرگسال جامعه با وجود مسلمان بودن چیست؟ چرا انسانی که ذاتاً مشتاق دین است و فطرت او با عناصر دینی ارتباط تکوینی و ماهوی دارد، در خواندن نماز بی‌میل است و چرا این موضوع در میان جوانان شیوع بیشتری دارد؟ با چه شیوه‌ای، چه مطالبی، چه بیانی، می‌توان این خلأ را کاست و جاذبه ایجاد کرد؟ این پدیده یکی از مشکلات اساسی امروز جامعه است که همواره دغدغه‌ها و تهدیدهایی را برای خانواده‌ها و جامعه ایجاد کرده است. با بررسی پژوهش‌ها به علل زیادی نظیر عدم شناخت کافی نسبت به نماز و فلسفه آن، تربیت خانوادگی، کوتاهی آموزش مدرسه‌ای، الگوگیری از دوستان، عدم جذابیت و ... دست یافتیم.

مقاله حاضر ضمن اذعان به این مهم که در ابتدا می‌بایست در بعد شناختی و بینشی آگاهی‌های دینی و اسلامی لازم به فراخور درک کودک داده شود و اهمیت و فلسفه نماز برای اقشار و سنین مختلف روشن شود. همچنین در بعد گرایشی و عاطفی نیز باید به لوازم و تجهیزات مناسب مجهز بود تا در بعد رفتاری دچار مشکل نشویم، از این رو، باید با بهره‌گیری و استفاده از روش‌ها و اصول مناسب رغبت لازم را در افراد ایجاد نماییم. به عبارتی با وجود آنکه شناخت و آگاهی‌های مناسب به افراد داده شود، ولی این آگاهی‌های لازم، کافی نیست. نیاز است که بینش در کنار گرایش و عمل قرار گیرد.

در آموزش و ترویج فریضه نماز می‌توان از روش‌های هنری نظیر قصه و داستان در کنار روش‌های دیگر بهره گرفت. با ظرافت می‌توان از دست چیره هنر و زیبایی‌شناختی در زمینه ترویج نماز استفاده کرد. کودکان فطرتاً گرایش به زیبایی دارند، در صورتی که آموزش‌های دینی به صورت زیبا و جذاب عرضه شود آنان را برمی‌انگیزد تا راه خود را بیمایند و در مسیر درک مفاهیم دینی و عملی به آن قرار بگیرند (شرفی، ۱۳۸۶، ص ۳۶)، به‌ویژه در سنینی مانند کودکی که قصه، نقش انکارناپذیری در انتقال مفاهیم و یادگیری دارد. قصه و داستان ابزاری چندوجهی است که هم کودک را در فراز و نشیب‌های حوادث واقعی و تخیلی زندگی قرار می‌دهد، هم آداب و رسوم را به وی می‌شناساند و هم ترس‌ها، محرومیت‌ها و ناکامی‌های او را تخلیه می‌کند. در تمامی این فرایندها ذهن کودک و توانایی حل مسئله شناختی، اجتماعی و عاطفی کودک به گونه‌ای غیرمستقیم پرورش می‌یابد و راهگشای زندگی بزرگسالی او می‌شود

عبادت یکی از نیازهای واقعی آدمی است که ریشه در فطرت دارد و اسلام آن را به‌منزله یک برنامه جامع تربیتی برای پرورش و تکامل روح و روان انسان برنامه‌ریزی کرده است. تربیت عبادی بُعدی از تربیت دینی و دنیاله و مکمل تربیت اعتقادی است و به معنای ایجاد تدریجی و گام‌به‌گام روح عبادت و بندگی و حالت تذلل و خواری نسبت به پروردگار عالم تا مرحله رساندن انسان به حد نهایی و کمال مقام عبودیت است (رضایی و نجفی، ۱۳۹۵) که بسیار مورد تأکید پیشوایان دینی می‌باشد. تربیت اعتقادی بدون تربیت عبادی بار ارزشی ندارد؛ زیرا لازمه شناخت دین عمل به آموزه‌های آن است (ملکی و دیگران، ۱۳۹۰). نماز بهترین نهاده دین در تربیت عبادی و عملی است، که برای ترویج و بهره‌مندی از آن خرد، هنر و انگیزه باید در کنار هم قرار بگیرند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۶).

مسئله نماز و آموزش آن به کودکان از نظر اسلام آنچنان اهمیت و عظمت دارد که ۸۸ بار از لفظ صلاة در قرآن برای بیان اهمیت و ضرورت آن استفاده شده است. سفارش شده فرزندان خود را چند سال قبل از سن تکلیف با این فریضه ارزشمند و انسان‌ساز آشنا کنید. گرچه هریک از احکام و فرایض دینی به‌جای خود از اهمیت و ارزش برخوردار است، اما در این میان هیچ فریضه‌ای به والایی و مرتبه نماز نمی‌رسد و تنها نماز به عنوان معراج مؤمن، عامل تقرب انسان به خدا، معیار پذیرش همه واجبات، محکم‌ترین رشته الفت بین مخلوق و خالق، راهبر به‌سوی خوبی‌ها و نجات از بدی‌ها، وسیله شست‌وشو و سدی در برابر گناهان، عامل غفلت‌زدایی، درهم‌شکننده کبر و خودبینی، پرورش‌دهنده فضائل اخلاقی، آغازگر رابطه با خالق، پایه و ستون دین، نشانه ایمان، نور مؤمن، پرچم اسلام قرار گرفته است. همه این تعبیرها نمایانگر برتری نماز بر سایر اعمال عبادی می‌باشد.

با توجه به اهمیت این فریضه و آثار و نتایج مطلوبی که برای سعادت و کمال آدمی به همراه دارد. این سؤال به ذهن متبادر می‌شود چرا جایگاه بلندپایه نماز هنوز برای بسیاری از مردم، بخصوص جوان‌ها به درستی شناخته نشده است؟ اگرچه ایرانیان مؤمن، هرگز به نماز پشت نکرده‌اند، لکن حق نماز چنان که باید گزارده نشده است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۳). اهمال و سستی از سوی برخی از کودکان و نوجوانان و بعضاً برخی از افراد

نیافتیم و تاکنون عنوان بررسی نقش ساحت زیبایی‌شناختی و هنری در تربیت عبادی (به‌ویژه فریضه نماز) از منظر قرآن کریم موضوع پژوهشی واقع نشده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. نماز

واژه قرآنی نماز، صلاة و جمع آن «صلوات» است، «صلاة» در اصل به معنای دعا است که در بعضی از آیات قرآن به همین معنا آمده است (توبه: ۱۰۳؛ احزاب: ۵۶؛ بقره: ۱۵۷). واژه «صلاة» در عربی، به معنای «درود و تحیت»، «دعا» و «نعطاف» است. با این‌حال واژه «نماز» واژه‌ای فارسی است که در ایران، افغانستان، بنگلادش، هند، پاکستان و ترکیه برای واژه «صلاة» عربی به کار برده می‌شود. برخی منابع ریشه این واژه را از واژه پارسی پهلوی «نماک» می‌دانند که آن هم از ریشه باستانی «نم» به معنای خم شدن و کرنش است. در این تحقیق مراد از «صلاة» همان معنایی است که با طریق مشخص و با ارکان مخصوص و جزئیات معین از طرف شارع مقدس، حقیقت پیدا کرده است. تصویر ظاهری نماز همان است که با اعمال مخصوصه انجام گیرد و حفظ آن نیز فرض و واجب است. البته روح و باطن نماز عبارت است از: اخلاص، حضور قلب، ذکر خداوند و تعظیم در مقابل او، امید و دل‌بستگی به ذات ربوبی، اعتماد و ركون به وجود سرمدی و محو شدن در مقابل ذات یکتایی که در مقابل عظمت و جلالت او قیام نموده است. حقیقت نماز اعم از معنای ظاهر و باطن است (یاوری، ۱۳۷۹، ص ۱۵).

۱-۲. قصه

«قصه» بر وزن «فَعْلَة» مصدر نوعی از فعل «قَصَّ» به معنای خبر، حدیث، بخشی از سخن، امر، آنچه نوشته شود، شأن، داستان، حال، کار، سخن، رمان و قصه‌ای که نوشته شود، آمده است (ملبولی، ۱۳۷۶، ص ۱۷) کلمات و اصطلاحات «قصه»، «قَصَص»، «روایت»، «مَثَل»، «حدیث»، «أسطوره»، «شرح‌الحال»، «السرِد» و «ترجمه» چنان با یکدیگر آمیخته شده‌اند که جدا ساختن آنها و تعریف دقیق هر کدام به سهولت امکان‌پذیر نیست و همین امر سبب گشته تا کتب لغت آن را معادل و مترادف «داستان»، «رُمان»، «داستان‌های تخیلی»، «خبر»، «حدیث»، «قصه مکتوب»، «حکایت» و «افسانه»

(اسکندری، ۱۳۸۶، ص ۲). تحقیقات استفاده از روش‌های داستان‌گویی در تدریس را در ترغیب دانش‌آموزان در میل به یادگیری بسیار مؤثر می‌دانند. از این‌رو، آموزش با کمک داستان‌گویی به دلیل سازگاری با میل فطری کودکان و با تحریک عواطف آنان انگیزه دانش‌آموزان به یادگیری را افزایش می‌دهد. داستان‌گویی نه تنها جذاب و هیجان‌انگیز و مفرح می‌باشد، بلکه در یادگیری عمیق‌تر و معنادارتر نیز تأثیر بسزایی ایفا می‌کند.

سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: ساحت زیبایی‌شناختی و هنری چه تأثیر و نقشی در تربیت عبادی (به‌ویژه فریضه نماز) از منظر قرآن کریم دارد؟

در بررسی پیشینه تحقیق حاضر، با مطالعات و تحقیقاتی که درباره موضوع پژوهش، در پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها و مقاله‌ها منعکس شده است. می‌توان به دو نوع عام و خاص از پیشینه اشاره نمود. در پیشینه عام با توجه به‌عنوان موضوع، می‌توان حول محورهای داستان‌ها و قصص قرآنی، تربیت عبادی، تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، نقش هنر در تربیت دینی و عبادی، عوامل انگیزشی سوق به نماز و... به بررسی پیشینه پرداخت. با بررسی‌های به‌عمل‌آمده داستان‌ها و قصص قرآنی از زوایا و چشم‌اندازهای مختلف چه در زمینه نقل قصص و چه در زمینه ویژگی‌های هنری و زیبایی‌شناختی آن توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته است.

در زمینه تربیت عبادی می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره کرد: مقاله «پدیدارشناختی شایستگی‌های پایه آموزگاران برای تحقق ساحت تربیت عبادی، اعتقادی و اخلاقی» (موسوی ندوشن، ۱۴۰۲)؛ کتاب *تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی با ابزار هنری* (تقی‌پور، ۱۴۰۲)؛ مقاله «تبیین تحلیلی تربیت عبادی کودک بر اساس اندیشه ابن‌سینا» (حیدری، ۱۴۰۰)؛ مقاله «اصول تربیت عبادی با تأکید بر قرآن و روایات» (داوودی، ۱۴۰۰)؛ مقاله «روش‌های تربیت عبادی فرزندان در سیره معصومین» (جلائی، ۱۳۹۹)؛ کتاب *تربیت عبادی کودکان در اسلام* (شکراللهی، ۱۳۹۶)؛ مقاله «تربیت عبادی از منظر قرآن کریم» (رضایی اصفهانی و نجفی، ۱۳۹۵).

در زمینه پیشینه خاص که مقصود از پیشینه خاص، مطالعات و تحقیق‌هایی‌اند که به‌طور مستقیم به عنوان اصلی تحقیق حاضر مربوط می‌شوند. با جست‌وجویی که در مقالات، کتب و... انجام شد به اثری که مستقیماً با موضوع پژوهشی حاضر مرتبط باشد دست

۲-۳. دین، هنر و ادبیات

دین و هنر رابطه نزدیکی دارند، به تعبیر هگل، هنر عموماً با دین آمیخته بوده است (گات، ۱۳۹۱). در بیان رابطه دین و هنر همین بس که خداوند متعال می‌فرماید: «زَيَّنَّاهَا لِلنَّاطِقِينَ» (حجر: ۱۶)، مگر حقیقت هنر چیزی جز ایجاد زینت است؟ هنر منشأ الهی دارد و جنبشی است از سوی انسان تا بتواند درد هجران را کاهش دهد. هنر، جایگاه بسیار رفیعی در زندگی انسان دارد. خداوند خود را هنرمند می‌داند (مطهری، ۱۳۹۲، ص ۲۶۲). شکل و شمایل قرآن و مفاهیم آن نشان می‌دهد که ارتباط متقابل با حوزه‌های هنر و دیگر حوزه‌ها دارد (باقری، ۱۳۷۸، ص ۲۶). ادبیات باید آئینه تمام‌نمای فرهنگ و مؤثرترین عوامل تقویت‌کننده هویت ملی و دینی باشد. زبان و ادبیات بیش از هر چیز دیگر، سرشت ملت‌ها را به ظهور رسانده و به‌خوبی ارزش‌ها، ضدازش‌ها، آرمان‌ها و آرزوها را نشان داده است. ادبیات با دین رابطه دارد و می‌توان از آن در بیان اندیشه و احکام دینی بهره برد (حافظی، ۱۳۸۰). سلیمانی و همکاران در تحلیل محتوای مؤلفه‌های دینی در مجلات کودک و نوجوان به این نتیجه رسیدند که توجه به نقش تربیتی داستان‌ها در انتقال مفاهیم اخلاقی و مناسب بون آن با ویژگی رشدی کودک می‌شود از این ابزار بهره گرفت که در خصوص فروع دین، متأسفانه کم‌توجهی شده است (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۵). باقری معتقد است با توجه به اینکه یکی از کارهای دین، دادن معیار است، از دین می‌توان کمک گرفت و از این معیارها استفاده کرد و آن را در هنر و ادبیات بارز نمود (باقری، ۱۳۷۸، ص ۳۳).

۳-۳. اهمیت قصه و داستان

قصه در عرصه فرهنگ و انتقال مفاهیم انسانی قدمتی کهن دارد و سازگارترین فرم کلامی با ذهن بشر است. از این رو، دامنه مخاطبانش وسیع‌تر و قدرت نفوذش بیشتر است. استفاده از داستان برای به چالش کشیدن تفکر و پروراندن روح پرسشگری از دیرباز در کانون توجه بوده است؛ انسان به‌خاطر ویژگی‌های خاص روحی‌اش به داستان علاقه دارد (پورخالقی، ۱۳۸۱، ص ۱۵). به جرئت می‌توان گفت: قصه‌ها ابزار بنیادین معنادهی و الگوی طبیعی تفکر فکر محسوب می‌شوند که افراد پیش از مدرسه از طریق افسانه‌ها، داستان‌های کودکانه، و تاریخچه خانوادگی خود فرا می‌گیرند. قصه‌ها

بداند و تفاوتی میان این واژه‌ها نگذارند» (معین، ۱۳۷۸، ص ۱۸۹۱). در قرآن کریم واژه «قصه» و جمع آن «قِصَص» نیامده است، ولی کلمه «قِصَص» در مجموع ۷ بار ذکر شده است» (پروینی، ۱۳۷۹، ص ۹۰-۹۱). گاهاً برای مفهوم قصه در قرآن، سایر اصطلاحات مترادف با آن «تَبَأ»، «حدیث»، «مثل»، «آیه» و... به کار رفته است (قصص: ۳؛ طه: ۹؛ نحل: ۱۶؛ سبأ: ۱۵) (شجاع‌پوریان، ۱۳۹۲، ص ۱۱۸).

۲. ساحت زیبایی‌شناختی و هنری

ساحت زیبایی‌شناختی یکی از ساحت‌های شش‌گانه در سند تحول می‌باشد. این ساحت ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ساحت زیبایی‌شناختی رمزگشایی و رمزگردانی از پدیده‌های آشکار و پنهان طبیعت هستی و ابراز آن به زبان هنری است که فوایدی از جمله رشد خلاقیت، تخیل و احساس، تفکر انتقادی، نگرش‌های مثبت، خودباوری و خودکنترلی به‌دنبال دارد. (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). از این ساحت برای تشویق و ترویج فریضه نماز می‌توان کمک گرفت. بجاست اسرار این عبادت به زبان هنری و در قالب قصه و داستان به شیوه‌ای بلیغ و فصیح بیان نمود.

۳. یافته‌ها

۳-۱. نقش هنر و داستان در تربیت

عمر قصه و قصه‌گویی به اندازه عمر پیدایش زبان و گویای انسان است. گذشته‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد زندگی انسان هیچ‌گاه از قصه تهی نبوده است (حسینی ژرفا، ۱۳۷۷، ص ۲۳). دین اسلام نیز از این ظرفیت، به‌طرز لطیفی استفاده کرده است. گرچه زبان اصلی قرآن، زبان دین و هدایت معنوی است، اما در کامل‌ترین وجه خود از شیوه داستان‌سرایی برای ابلاغ پیام خویش بهره برده و داستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بخش قابل‌توجهی از آیات حدود یک سوم را به خود اختصاص داده است (مرویان حسینی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۰) و از این شیوه در بیان مفاهیم استفاده نموده و اهداف زیادی را دنبال کرده که مهم‌ترین آن در حوزه اخلاقی و تربیتی است. از این رو، پیرو این شیوه قرآنی این نکته حائز اهمیت است که نقش داستان در امر تربیت انکارناپذیر است.

تربیتی و اخلاقی. طبق بیان قرآن کریم، انتخاب داستان‌های واقعی تأثیر بیشتر و عمیق‌تری دارد. هیچ جای قرآن داستان تخیلی یا شخصیت‌های فرضی برای ارائه مفاهیم استفاده نشده و همه داستان‌ها، روایتی الهی از یک رویداد حقیقی می‌باشند. گرچه ممکن است مفاهیم در قالب هنری و تمثیلی بیان نماید. از این رو، حقیقی و هدفمند بوده و هیچ‌گونه امر غیرواقعی و خلاف حقیقت به آن راه نیافته است: «تَحْنُ نَقْصُ عَلَیْكَ نَبَاهُمْ بِالْحَقِّ» (کهف: ۱۳)، «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (یوسف: ۱۱۰).

همین شاخصه حضور اشخاص حقیقی، موجب تفوق قرآن بر سایر کتب دینی و تاریخی شده و از قرآن متنی فراتاریخی ساخته است. لازم به ذکر است داستان می‌تواند توسط صاحب‌نظران ایجاد و خلق شود که این امر نیازمند یک‌سری مهارت‌های خاصی از جمله آشنایی با نحوه ایجاد داستان، شناخت ذائقه مخاطبان، آشنایی با اصول و قواعد ایجاد یک داستان، توانایی و علاقه به خلق داستان و... است. بنابراین اگر داستان، گزارشی از واقعیت‌ها باشد، در تربیت اخلاقی شنوندگان تأثیر بسزایی دارد؛ زیرا با شنیدن گزاره‌ها حالتی کنجکاوانه به انسان دست می‌دهد تا به علل و اسباب وقوع حوادث تلخ و شیرین گذشته‌نگار پی ببرد و نیز با تطبیق آن با روش و رفتار خود، پند گرفته، آموزش یابد. بنابراین اگر ارشاد و پندآموزی همراه با شواهد زنده و واقعی باشد، اثری نافذتر و مؤثرتر بر جای خواهد گذاشت.

دوم. پرورش صفات اخلاقی و دینی

قرآن کتاب هدایت است و برای هدایت انسان‌ها از فنون گوناگونی استفاده کرده است. استفاده از اسلوب داستان در مواضع و مناسبت‌های گوناگون حاوی بهترین و متقن‌ترین روش‌ها جهت رشد فضایل اخلاقی می‌باشد. قرآن قصه را در خدمت اهداف دینی و ترویج معارف حق قرار داده است (مرویان حسینی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۱). در آیات قرآن، رابطه نزدیکی میان «عبادت» و «پرهیز از گناه» و «پرورش فضائل اخلاقی» دیده می‌شود. در آیه ۱۵۳ سوره «بقره»، به تأثیر نماز و روزه در تقویت روح انسان اشاره می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از صبر و نماز کمک بگیرید». قرآن عبودیت و بندگی را عامل نجات یونس (صافات: ۱۴۳) و از مومن ابراهیم در ذبح اسماعیل (صافات: ۱۰۲) را معرف الگوی تمام‌عیار ارزش‌ها و عدم بندگی و ادعای ربوبیت فرعون را عامل عقوبت وی

ترکیب قدرتمندی برای ساماندهی و انتقال اطلاعات و معنادهی به زندگی هستند (اسکندری، ۱۳۸۶، ص ۲). به عقیده روان‌شناسان رشد، قصه تنها یک محرک روانی و شنیداری نیست، بلکه کارکردهای فراوانی از جمله آشنایی با محیط پیرامون خود، درک بهتر ارتباط‌ها برای مخاطبان خود دارد. هر قصه‌ای می‌تواند فضایی را به وجود آورد که بچه‌ها هنگام روبرویی با نمونه‌های واقعی، رفتاری مناسب از خود نشان دهند. قصه و نقش آن در جسم و روح انسان‌ها امری ثابت شده است. این تأثیرگذاری در سنین کودکی بسیار بیشتر می‌باشد؛ زیرا کودک گرایش زیادی به سمت آن دارد. بشر به‌طور ناخودآگاه از خواندن و شنیدن وقایع علت و معلولی لذت می‌برد و بخش عمده‌ای از جذابیت آثار هنری ارضای چنین احساسی است (سلیقه‌دار، ۱۳۹۹، ص ۱۴). از این رو، قصه‌گویی یکی از بهترین و مهم‌ترین راه‌های ارتباط نزدیک و تعامل سازنده بین معلم و دانش‌آموز است و استفاده از این شیوه در آموزش به ماندگاری بهتر و ارتقای کیفیت یادگیری منجر می‌شود.

۳-۴. داستان تأثیرگذار، ماندگار و متعالی

عناصر اساسی داستان (پیام، گیرنده، فرستنده، روش و...) برای تأثیرگذاری باید دارای ویژگی‌هایی باشد تا بتواند نقش خود را در امر آموزش ایفا نماید.

الف) محتوای داستان (پیام)

مهم‌ترین بخش یک داستان انتخاب محتوای مناسب می‌باشد؛ چراکه وظیفه خطیر انتقال مفاهیم انسانی و ارزشی را بر عهده دارد. بنابراین محتوا نیازمند اصولی است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

اول. حقیقت‌گویی و هدفمندی

وظیفه خطیر انتقال مفاهیم انسانی و ارزشی بر عهده داستان است. نخستین و شاید مهم‌ترین هدف داستان ارائه پاسخی مناسب برای نیاز بشر به ماجراجویی است. بنابراین انتظار می‌رود از محتوای مناسبی که تأثیرگذار، ماندگار، رشددهنده و تعالی‌بخش برخوردار باشد. اگر قصه‌هایی که انتخاب می‌شوند از واقعیت‌های عینی جدا گردد و تنها سرگرمی و گزارش حوادث تاریخی، بدون در نظر گرفتن جنبه‌های عبرت‌آموز باشد، بیشتر به افسانه‌ها و اساطیر می‌ماند تا برنامه‌های

دانست (نازعات: ۲۴). از عشق، خیانت‌ها، رخدادهای غیراخلاقی مطالب سودمندی را بیان می‌کند و فاقد جنبه بدآموزی است.

سوم. حکمت‌آموزی

یکی از راه‌های تربیت از نظر قرآن، آموزش حکمت است. با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما (نحل: ۱۲۵). حکمت معیاری برای یافتن راه سعادت و زندگی شرافتمندانه است و رابطه مستقیمی بین قصه‌های قرآن و حکمت‌های نهفته در آن وجود دارد: «فَأَقْصُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف: ۱۷۶)، «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (یوسف: ۱۱۱). خداوند متعال در استوار کردن دلایل انکارناپذیر و حجت‌های قاطع و رد شبهات، آن را با یادکرد احوال امت‌های گذشته و موضع‌گیری آنان در برابر پیامبران همراه ساخت، البته حکمت از پشتوانه عقلی برخوردار است. آموزش آن برای همه افراد با هر سن و شرایطی نمی‌تواند مفید باشد. لذا قصه‌ها با استفاده از حکمت‌های آموزنده گاهاً هدایت و القای غیرمستقیم به‌جای امر و نهی مستقیم به ارزش‌های موردنظر قصه‌گو دعوت می‌کنند (امینی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹).

چهارم. به‌روز بودن

از امام رضا علیه السلام نقل کرده‌اند که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چه سری است که هرچه زمان بیشتری بر قرآن می‌گذرد و هرچه بیشتر تلاوت می‌شود بر طراوت و تازگی‌اش افزوده می‌گردد؟ فرمودند: برای اینکه قرآن تنها برای یک زمان و نه زمان دیگر و برای یک مردم و نه مردم دیگر، نازل نشده، بلکه برای همه زمان‌ها و همه مردم نازل شده است. بنابراین، خداوند متعال قرآن با تعبیر «بلسان قَوْمِهِ» (ابراهیم: ۴)، «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ» (تکویر: ۲۷) آن را طوری ساخته که در هر زمان و با وجود همه اختلاف‌هایی که در اندیشه‌های مردم به‌چشم می‌خورد، بر زمان‌ها و افکار پیشی گیرد و در هر عصری مفاهیم تازه‌ای از معارف بلند آن کشف شود (محمدی ری‌شهری، ۱۴۳۳ق، ص ۷۷). از این‌رو، توصیه می‌شود معلم به خلق داستان‌هایی بپردازد که به فضای روز جامعه نزدیک بوده و یا پاسخگوی نیازهای آنان باشد.

– مستند: داستان باید مستند باشد، همان‌گونه که قرآن با هم‌وردجویی، هماهنگی آیات، عدم تحریف، معجزات علمی و ...

جامعیت، اعتبار و سندیت خود را نشان می‌دهد: «لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ» (اسراء: ۵۸).

– برانگیزاننده پرسشگری و خلاقیت: داستان می‌بایست روح پرسشگری و خلاقیت را نشانه رود: «أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ» (یس: ۸۱). خداوند اولین خلاق و نوآور جهان خلقت است. خلاقیتش متنوع، دائمی، مستمر، زیباست و نظم شگرفی را در عالم بنا نهاده است: «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرحمن: ۲۹).

پنجم. تأکید بر عناصر تربیت

از موارد مهم این است که کتاب‌های قصه باید جنبه تربیتی داشته باشند و عناصر چهارگانه دانش و بینش، حرکت درونی و جوشش، معیار مطلوبیت و عدم مطلوبیت، نقد و انتقاد باید در تربیت مد نظر قرار گیرد (باقری، ۱۳۷۹).

ششم. ساختار بندی محتوای داستانی

یک داستان خوب از سه جزء به‌هم‌پیوسته مقدمه، تنه و پایان داستان شکل می‌گیرد. البته داستان‌های قرآن اسلوب متفاوتی دارد، گاهی با مقدمه آغاز می‌شود، گاهی ارائه پایان داستان، گاهی بدون مقدمه، گاهی با بیان چکیده و مقدمه در عین اختصار باید شوق‌انگیز بوده و آهنگ کلی داستان را القا نماید. علاوه بر این شخصیت‌های اصلی و محیط داستان در مقدمه معرفی می‌شوند. در هر صورت سه جزء اصلی به نحو متمایز از هم جدا نمی‌شوند. مقدمه، بی‌آنکه مخاطب احساس کند در تنه داستان نفوذ می‌کند و پیوستگی تنه داستان با پایان آن لزوماً مشخص‌تر است؛ زیرا اوج داستان که بلافاصله پیش از پایان داستان می‌آید، عالی‌ترین نقطه احساس و لطف داستان محسوب می‌شود. هدف گوینده باید این باشد که مخاطب خود را در این نقطه سخت به هیجان آورد و احساسی که متناسب با هدفش مدنظر دارد را در او القا کند. همچنین در استفاده از کتاب‌های داستانی ما نیازمند رعایت اصول نظیر: انتخاب تصاویر، محتوا، آغاز و پایان مشخص (سوره یوسف؛ کهف: ۹-۱۲؛ بقره، داستان حضرت آدم)، به‌روز بودن (ابراهیم: ۴)، بررسی ویژگی شخصیتی مثبت (بقره: ۱۲۷؛ لقمان، ابراهیم، آسیه، مریم)، غلبه نکات مثبت بر منفی (فیل: ۲-۱؛ بقره: ۲۵۸؛ انفال: ۸؛ رعد: ۱۷؛ اسراء: ۸۱؛ انبیاء: ۱۸)،

برخورداری از قهرمان پویا (قصص: ۴؛ بقره: ۱۲۷؛ فیل: ۱-۲؛ بقره: ۲۵۸)، بیان جذاب (قصص: ۳-۶؛ طه: ۳۷؛ حج: ۲۹؛ اسراء: ۲۳)، حاوی پیام مناسب و تأثیرگذار (صافات: ۱۴۰-۱۴۸)، زاویه دید (اعراف: ۱۱-۱۲؛ روم: ۲-۴؛ آل عمران: ۶۷)، نظم و توالی (داستان حضرت یوسف و حضرت آدم؛ نساء: ۸۲)، هماهنگی (صف: ۲)، واقعی بودن (اعراف: ۷؛ کهف: ۳۳؛ یوسف: ۱۱۱)، باورپذیری، تحریک و تهییج خواننده (سوره فیل؛ طه: ۱۶؛ ذاریات: ۲۴)، گره‌افکنی (سوره بقره؛ داستان‌های بنی‌اسرائیل، طالوت و جالوت، هابیل و قابیل)؛ گره‌گشایی (داستان حضرت یوسف)، کشمش و درگیری (یونس: ۱۷) تعلیق، تنوع و تفنن (آل عمران: ۵۹؛ اعراف: ۱۰۳) و... هستیم.

ب) گیرنده پیام: مخاطب‌شناسی

معلم برای اینکه پیام خود را به بهترین شکل به مخاطب ارائه کند، نیازمند آن است که اطلاعاتی در مورد مخاطب داشته باشد و بر مبنای آن اطلاعات، به محتوایی که در دست دارد، شکل و ساختاری منطقی و اثربخش بدهد (فرضی‌شوب، ۱۳۹۳). یکی از بهترین شیوه‌ها برای تقویت حس دینی و مذهبی در کودکان این است که خصوصیات اصلی و اساسی آنها شناسایی شود؛ زیرا هر روشی که مبتنی بر شناخت ویژگی‌های اساسی کودکان باشد، می‌تواند روش کارآمد و موفقی باشد (شرفی، ۱۳۸۶، ص ۴۳). هر کدام از خطابات قرآنی، مخاطبانی دارد و متناسب با هر مخاطب، برنامه ارائه می‌گردد. داستان‌ها از نظر آموزشی، رویدادهای شناختی مهمی می‌باشند، که چهار رکن بسیار مهم ارتباط بشری را در خود جای می‌دهند: اطلاعات، دانش، عقیده، و احساس. بچه‌ها از لابه‌لای داستان‌ها، یک ساختمان فکری، چارچوب فکری و داربست فکری برای خودشان ایجاد می‌کنند که می‌تواند زندگی‌شان را در مسیر الهی سوق داده و جهت‌گیری خود را در جهت ارتباط با خداوند تقویت کنند. داستان برای جلب توجه کودک باید متناسب با ذائقه وی باشد، حس کنجکاوی او را برانگیزد. مخاطب را به پرسشگری ترغیب نماید. همچنین لازم است تخیل کودک را فعال کرده و به او کمک کند تا توانایی ذهنی‌اش را افزایش و احساساتش را توضیح دهد. داستانی که قرار است به مخاطب عرضه کنیم رعایت نکاتی ضروری است:

- در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات سنی: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا

آتاهَا» (طلاق: ۷). اگر انتخاب قصه و به چالش کشیدن مفاهیم آن مطابق با ظرفیت‌های آنان باشد موجب می‌شود تا کودکان و نوجوانان بیشتر بتوانند با دین ارتباط برقرار کنند و آن را بفهمند. محققان برآنند، درک خردسالان از مفهوم خدا تا حدود ۷ سالگی بسیار خام، مادی و شبیه یک انسان است؛ او با صدایی شبیه ما سخن می‌گوید؛ در بهشتی سکونت دارد که در آسمان‌هاست و به صورت یک انسان به زمین آمده و به اداره امور آن می‌پردازد. تعداد قابل توجهی از کودکان به قابل رؤیت بودن خداوند اعتقاد دارند. درک کودکان از خدا در محدوده سنی ۷-۹ سال، بیشتر انسانی فوق‌العاده است تا موجودی فوق‌طبیعی؛ مانند اینکه او را شبیه انسانی نورانی می‌پندارند و گاه او را به صورت شعله آتش توصیف می‌کنند. این توصیفات حاکی از ناتوانی آنان برای درک آنان از این مفهوم است. درک کودکان ۹-۱۲ سال از مفهوم خداوند، نسبت به مقاطع پایین‌تر متفاوت است و می‌توان آن را عبور از تصویر فوق انسانی خدا به فوق طبیعی دانست و این به معنای کنار گذاشتن تفکر خام گذشته و تلاش برای گذر از این مرحله است. آنان در توصیف خداوند، بیشتر به صفات برجسته او مانند آفریننده و خالق بودن اشاره می‌کنند. البته این برداشت، دلیل فهم درست آنان از این معانی نیست و هنوز تفکر آنان متأثر از عناصر عینی و محسوس است. عده قابل توجهی نیز در همه سنین بیان می‌دارند خدا در همه جا هست، اما این کودکان هم هنوز قادر به درک انتزاعی از «همه جا بودن» نیستند. در اواخر دوره دبستان، تعدادی از دانش‌آموزان، موفق به حل این تناقض می‌شوند و در حدود دو سال نخستین دوره راهنمایی، نوجوانان سعی می‌کنند مشکل تفکر کودکانه خود را با تعمق بیشتر حل کنند و پس از این دوره است که به خدا، به صورت مجرد نگاه می‌شود و برداشت انتزاعی حاصل می‌گردد.

- نظرسنجی با هدف کشف علایق: پیشنهاد می‌شود با یک نظرسنجی از آنها بخواهیم تا بیان کنند که به چه داستان‌هایی علاقه‌مند هستند، تا متناسب با ذائقه آنها به خلق و ارائه داستان بپردازیم. داستان‌ها انواع مختلفی را شامل می‌شوند. در مورد انواع داستان‌ها، شش گونه داستان قابل تصور است: تاریخی، واقعی، تمثیلی، اسطوره‌ای، نمادین و غیبی. گرچه تأیید ما بیشتر بر داستان‌های واقعی است، اما استفاده از گونه‌های دیگر مانعی ایجاد نمی‌کند. بهتر است داستان با همه جنبه‌های شخصیتی مخاطب

و نظرهای خود را با روش اجباری یا اقناع اعمال کنند، این نوع تربیت یک تربیت متزلزل و به تعبیری شبیه تربیت خواهد بود و الگوپذیری فرزندان دوام چندانی نخواهد آورد؛ چراکه وقتی جوانان با شکل‌های جدید دیگری در تربیت مواجه می‌شوند، الگوی خانوادگی خود را به راحتی کنار می‌گذارند (باقری، ۱۳۷۹).

معلم: مهم‌ترین و کاربردی‌ترین نوع شناخت و یادگیری در همه دوران زندگی، «سرمشق‌گیری و الگوپذیری» است. در قرآن کریم از پیامبر اکرم ﷺ و حضرت ابراهیم ﷺ صریحاً به عنوان اسوه و مقتدای بشر یاد شده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱). به عنوان نمونه، برای شرکت دادن دانش‌آموزان دبستان در نماز باید زمینه‌سازی توسط معلم به تدریج در کلاس آغاز شود و عطش لازم برای ورود فراهم شود. برپایی نماز در مدارس، همراه با معلمان، مربیان و مدیر، می‌تواند برای دانش‌آموزان دل‌انگیز و به یادماندنی باشد. خصلت‌های اخلاقی مثبت، صبر و بردباری و رفتاری متین و معقول مسئولان مدرسه، اگر همراه با عطف و مهربانی باشد، در دانش‌آموزان نگرش و احساسی مثبت نسبت به اقامه نماز پدید می‌آورد. لذا نباید با تندخویی و عتاب و خطاب، زمینه آزردهی روانی دانش‌آموزان را فراهم آورد. بنابراین، میزان پابندی عوامل اجرایی، معلمان و مدیران به نماز و رعایت سایر نکات اخلاقی اعتقادی، در گرایش یا عدم گرایش دانش‌آموزان به مسائل اعتقادی مؤثر بوده است.

- تجهیزات آموزشی

- ارائه در قالب نمایش، پخش کلیپ و یا فیلم کوتاه: از ابعاد بیانی قرآن، تصویرسازی است. به تعبیر سیدقطب، قرآن با کلمه قلم، تصاویر زیبا، مهیج و جاندار از موجودات عالم هستی ارائه و بسیاری از صحنه‌ها را در مقابل چشم مخاطب ترسیم می‌کند تا مطلب در اعماق جان مخاطب نشانداده شود. به گونه‌ای که با کمترین لفظ، بیشترین معنا را به ذهن منتقل می‌کند. مانند آنچه در سوره «بقره» (۱۲۷-۱۲۹): «۲۱-۲۷) دیده می‌شود، داستان می‌تواند در کلاس از طریق تصویرسازی با پخش فیلم و یا کلیپ صورت گیرد که این امر چون دارای تصویر، صدا و موسیقی هست، تأثیر فوق‌العاده‌ای در مخاطب دارد؛ زیرا تمامی قوه‌های ادراک را همچون دیداری، شنیداری، درگیر می‌کند و توجه مخاطبان به فیلم به واسطه فعال بودن دو حس

سروکار داشته باشد و تمامی نیازهای وی را در نظر بگیرد (حسینی محدثی، ۱۳۸۱، ص ۳۰).

- به روز بودن داستان: عدم انس و برقراری ارتباط با فرهنگ مخاطب، یکی از مشکلات بعضی از داستان‌هاست. از این رو، شایسته است داستان به شکل امروزی و با در نظر گرفتن مخاطبان امروزی بررسی و تحلیل شود. اگرچه این ویژگی مختص همه داستان‌ها نیست، و خیلی از داستان‌های غیردینی نیز می‌توانند بیانگر نکات اخلاقی به روز باشد، به طور مثال می‌توان به داستان مربوط به تقسیم بیت‌المال توسط امیرالمؤمنین علی ﷺ و برخورد وی با برادرش عقیل اشاره نمود، که با نمایش فیلم و سپس بررسی نکات اخلاقی و عملیاتی کردن آن در جامعه امروزه در مورد بحث فسادهای بانکی در کشور و توضیحات مربوطه اقدام نمود. از این رو، پیشنهاد می‌گردد داستان‌ها با فرهنگ روز مخاطبان همخوانی داشته باشد و موجب سردرگمی و ایجاد ابهام در ذهن مخاطبان نگردد که ما شاهد آنیم که برخی از آیات قرآن در پی اتفاقات و رویدادهای خاص آن زمان نازل گردیده است.

ج) فرستنده پیام: سبک بیان و نحوه اجرا

- نقش هنر و داستان در ترویج نماز: داستان خوب، چنانچه با بیان نامناسب ارائه گردد از تأثیر آن خواهناخواه خواهد کاست. در اینکه ما چگونه داستان را به مخاطبان عرضه کنیم راه‌های مختلفی وجود دارد که به شرایط مخاطبان، مکان و تجهیزات آموزشی نیز بستگی دارد، که به آنها اشاره خواهیم کرد.

- محیط انسانی: انسان موجودی فعال، و درعین حال، به شکلی قانونمند تحت تأثیر محیط است و فرد و محیط بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند (کاظمی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۸). یکی از عوامل مؤثر در تربیت دینی و عبادی، محیط انسانی و طبیعی است. از جمله مهم‌ترین این عوامل می‌توان به خانواده و معلم اشاره کرد.

خانواده: اولین پیام‌رسان به کودک خانواده وی است: «یا ایها الذین آمنوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً» (تحریم: ۶). کودکان بسیاری از گرایش‌ها و ارزش‌ها را از فرهنگ حاکم بر خانواده می‌آموزند: «وَأُمْرُؤُا هَلَكُوبِاَلصَّلَاةِ وَأَصْطَبِرُوعَلَيْهَا» (طه: ۱۳۲). این امر نیازمند رعایت اصول گرایشی در کنار اصول بینشی است، چون اگر والدین در جریان تربیتی خود نسبت به فرزندان به صورت یک‌سویه عمل کنند

می‌کرده است. فضای معنوی و محیط یادگیری که روح معنویت در آن حاکم است، از قبیل حضور در مسجد و دیدن جلوه‌هایی از کارکردهای تربیتی، اخلاقی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی اسلام، نقش بسزایی در آشنایی با بایسته‌های زندگی دارد.

نمازخانه مدرسه، نوع چیدمان و آراستگی آن نقش انکارناپذیری در جذب مخاطب دارد. رنگ موکت، دیوارها، آراستگی، تمیزی، سادگی و زیبایی که در آن موج می‌زند، محیط مناسب و دلپذیری را هم برای اقامه نماز فراهم می‌سازد. هم برای بیان روش قصه‌گویی در ترویج این فریضه. استفاده از رنگ‌های آرامش‌بخش، بهره‌گیری از خطوط منحنی دیوارها و محراب، فضای نمازخانه را گیرا و دلنشین می‌سازد. استشمام بوی عطر و گلاب و نورپردازی جالب با رنگ‌های سبز و پخش ملایم نوای گوش‌نواز تواشیح مربوط به اسماء الله، قبل از شروع نماز، محیط را سرشار از حال و هوایی معنوی و روحانی می‌کند. مساجد و نمازخانه‌ها باید تقویت‌کننده جنبه معنوی، انقلابی، تعلیمی و تبلیغی باشند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۶).

- بهداشت محیط

«وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ...» (بقره: ۱۲۵)؛ و به یاد آر زمانی که کعبه را در مقام امن و مرجع امر دین مردم قرار دادیم و امر شد که مقام ابراهیم را جایگاه نماز و عبادت قرار دهید، و از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را پاکیزه دارید، برای اینکه اهل ایمان به طواف و اعتکاف و رکوع و سجود آیند.

تحقیقات نشان داده‌اند یکی از مهم‌ترین موانع جذب دانش‌آموزان به نماز نامناسب و غیربهداشتی بودن محیط وضوخانه، کثیف بودن موکت نمازخانه و نامناسب بودن فضای آن بوده است. برای نماز از بهترین مکان‌ها و بهترین لباس‌ها استفاده شود و از محل تنگ و تاریک و کثیف و مخروبه پرهیز گردد (عسکری، بی‌تا). محل نمازخانه باید به‌قدری جذاب و دوست‌داشتنی و خاطره‌انگیز باشد که دانش‌آموزان قبل از ساعت نماز، مشتاق برپایی آن باشند. برگزاری مراسم و دعوت برای نهار و یا افطار در نمازخانه، به مناسبت‌های مختلف جزء خاطرات فراموش‌نشده دانش‌آموزان خواهد بود. توجه به سرویس‌های بهداشتی و وضوخانه مدارس و پاک‌ی و تمیزی آن، در ترغیب دانش‌آموزان برای گرفتن وضو بسیار مؤثر است.

دیداری و شنیداری بسیار بیشتر از توجه به سخنرانی است. قصه اگر به‌درستی و به‌طور دقیق مورد استفاده قرار گیرد، بیش از هر وسیله تربیتی دیگری در رفتار کودکان مؤثر است. داستان می‌تواند توسط معلم با رعایت شیوه‌های مهارت‌های گفتاری و مهارت‌های غیرکلامی بیان شود. داستان با تمام جذابیتی که ممکن است در محتوا داشته باشد اگر به‌صورت یکنواخت و بی‌تحرك ارائه شوند، نه تنها تأثیری در آموزش نخواهند داشت، بلکه مخاطب خود را بی‌ربغبت خواهد کرد.

- مکان مناسب

- مدرسه: در تربیت، اصلی وجود دارد، مبنی بر تأثیر شرایط بر انسان که نباید از آن غافل شد. براساس برخی از دیدگاه‌های برنامه‌دستی، یکی از عناصر دخیل در طراحی برنامه‌دستی، فضای مدرسه و نقش آن در یادگیری است. بنابراین مکان و فضای مناسب از ضروریات است، اگر قرار است از این فضا برای آموزش و یادگیری استفاده شود این فضا نیازمند داشتن الزاماتی است. مدرسه به‌عنوان کانون عمل و جلوه عینی نظام تربیت با ایجاد فضایی منعطف، پویا، بالنده و هدفمند می‌تواند زمینه کسب شایستگی‌های لازم فردی و جمعی را در متریان فراهم سازد. البته منظور از مدرسه تنها ساختار فیزیکی محیط بر فرایند تربیت نیست، بلکه این مفهوم، ترکیبی پیچیده از فضا، مکان، جو، روابط انسانی و فرهنگی میان عوامل حاضر در آن است که ویژگی‌های منحصر به فردی را برای زمینه‌سازی مناسب جهت تکوین و تحول هویت فردی و جمعی متریان بخصوص در سنین کودکی و نوجوانی داراست. از این‌رو، مدرسه، فضای اجتماعی هدفمندی است که از طریق زنجیره‌ای از موقعیت‌ها فرصت حرکت رشد‌یابنده و تعالی‌بخش را فراهم می‌سازد. شایسته است. فضای مدرسه سرشار از ارزش‌های انسانی و اسلامی باشد تا متریان آنها را به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به دست آورند (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

- مسجد و نمازخانه: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن: ۱۸)، «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۳۱). در صدر اسلام، اولین مکان تعلیم و تربیت، مسجد و محور آموزش، قرآن کریم بوده است. در واقع مسجد، کهن‌ترین دانشگاه اسلامی و پایگاه اساسی‌ترین تعلیمات در تاریخ آموزش اسلامی بوده است. این کاربرد مسجد در آن زمان، نقش مراکز یادگیری پیشرفته امروزی را ایفا

د) پیش‌نیازهای اثربخشی روش قصه و داستان

آموزش اعمال دینی دارای ویژگی‌هایی است که باید دانسته شود. برای نمونه در آموزش نماز، کودک باید بداند که در ورای این اعمال چه اعتقاد و احساسی نهفته است و چه چیزی موجب می‌شود که مسلمانان هر روز پنج نوبت به سوی کعبه نماز گذارند و در سنین بالاتر دوره ابتدایی، کودک باید بداند اگر نماز می‌خواند باید سعی کند تفاوت‌های محسوسی با دیگرانی که نماز نمی‌خوانند داشته باشد. اخلاق بهتر، راستگویی، نظافت، ادب و احترام، خیرخواهی، گذشت و... به مراتب با دیگر افراد تفاوت چشمگیری داشته باشد. همچنین، باید عواطف درگیر شوند تا کودک تصمیم بگیرد اراده کند، انتخاب و در نهایت عمل نماید.

- پیش‌نیاز شناختی: عقلانیت: آموزش اعمال دینی دارای ویژگی‌هایی است که در صورت عدم رعایت، این ویژگی‌ها و مقتضیات تأثیر لازم را نخواهد گذاشت. آموزش مراسم و احکام عملی باید به‌صورتی ساده، به دور از بدفهمی‌ها و با تأکید بر تجربیات و احساس‌های شخصی افراد و در سه حیطه یادگیری شناختی، گرایشی و رفتاری باشد (امین‌خندقی، ۱۳۹۲، ص ۴). آنجا که رشد بشر یک رشته پیوسته است و مذهب، اعتقادات و مناسکش دارای دلیل، برهان، منطق و توجیه است، ما می‌توانیم آموزش این دلایل و براهین را به درجاتی از سنین پایین آغاز کنیم. البته به خاطر اینکه فهم و درک کودک هنوز گسترده و عمیق نیست، نمی‌توانیم گام‌های بلند برداریم، در نتیجه آرام‌تر پیش می‌رویم. اگر بیان این معارف، بدون توجه به محدودیت‌های شناختی مطرح شود، ممکن است مطالبی فراتر از درک فراگیران بیان گردد و آنها را دچار سردرگمی و مشکلات بیشتری کند. همچنان‌که تحقیقات زیادی در زمینه توجه به رشد و تحول دینی کودکان صورت پذیرفته و به این مهم اشاره کرده است. در دهه ۱۹۶۰، رونالد گلدمن پژوهش‌های زیادی در زمینه رشد و تحول دینی کودکان انجام داد. کتاب تفکر دینی از کودکی تا بلوغ، در سال ۱۹۶۴ و کتاب آمادگی برای دین در سال ۱۹۶۵ از آثار وی می‌باشد که کوشش شده تحول اندیشه دینی برای آموزش مبانی دینی از طریق معلمان مورد بررسی قرار گیرد. گلدمن با الهام از دیدگاه ژان پیاژه، دریافت که توانایی کودکان در فهم دینی مرحله‌ای دارد: الف. دوره تفکر مذهبی شهودی تا ۸-۷ سالگی؛ ب. دوره تفکر مذهبی عینی، از ۷-۸ سالگی تا ۱۳-۱۴

سالگی؛ ج. دوره تفکر انتزاعی، از ۱۳-۱۴ سالگی به بعد (باهنر، ۱۳۷۸). هارمز نیز طی تحقیقات خود که در مورد ۴۸۰۰۰ نفر از کودکان ۳-۶ ساله و ۱۲ سال به بالا انجام داد، از کودکان خواست تا تصویر خداوند را نقاشی کنند. او بر اساس تحلیل نقاشی، سه دوره رشد (تحول) دینی را در کودکان مشخص کرد: الف. دوره دینی داستان‌های پریان، از ۳-۶ سالگی؛ دوره واقعی، از ۷-۱۲ سالگی؛ ج. دوره فردی، از ۱۲ سالگی به بعد. بر اساس دیدگاه برخی روان‌شناسان، تحول رفتار دینی مشتمل بر مراحل زیر است: ۱. مرحله رفتاری و تقلیدی (قبل از ۵-۶ سالگی)؛ ۲. مرحله حسی - عاطفی (۶-۱۱ سالگی)؛ ۳. مرحله عقلانی و برهانی (دوران نوجوانی و تفکر انتزاعی، حدود ۱۱-۱۶ سالگی)؛ ۴. مرحله عرفانی و شهودی (در جوانی و بزرگسالی، ۱۶-۲۵ سالگی). در مرحله اول کودکان اعمال ظاهری والدین را تقلید می‌کنند. برای مثال، زمانی که مادر نماز می‌خواند، کودک نیز مثل مادر به نماز می‌ایستد و رکوع و سجده انجام می‌دهد. این رکوع و سجده، ظاهری و فاقد معناست، ولی در نگرش کودک تأثیر می‌گذارد. مرحله دوم، مرحله گرایش عاطفی نسبت به نماز است. در این مرحله، خضوع و خشوع والدین هنگام برپا داشتن نماز، به وسیله کودک درونی می‌شود. مرحله سوم (عقلانی و برهانی)، مصادف با دوره تفکر انتزاعی است. در این مرحله نوجوان نماز را بر اساس استدلال، منطق و عقلانیت می‌پذیرد. مرحله چهارم، به تعبیر موریس دبس و اریکسون، دوره شکوفایی مذهب و بینش عرفانی است. در این دوره، علاوه بر استدلال شناختی، تجربه وجودی و شهود قلبی در مورد نماز ظاهر می‌شود (کریمی، ۱۳۸۳). برخی متخصصان تربیتی بر مبنای نقش مربی مراحل را شامل مرحله انس دینی، عادت دینی، معرفت دینی، شاکله دینی و خودجوشی دینی تقسیم می‌کنند (باهنر، ۱۳۸۷). در مرحله بینشی و دانشی رمزگشایی و رمزگردانی صورت می‌پذیرد. یکی از مؤلفه‌ها و وظایف مهم ساحت زیبایی‌شناختی و هنری رمزگشایی و رمزگردانی از پدیده‌هاست.

قصه‌ها باید بتوانند در درون خود از اسرار و رموز نماز پرده بردارند. اسراری که امروز در بعد جسمی و روحی به مدد پژوهش‌ها و یافته‌های علم به اثبات رسیده است. در قصه‌ها لازم است برای نماز مهندسی کرد و شناخت لازم و کافی ارائه نمود؛ چرا نماز بخوانیم؟ فایده آن چیست؟ چه سودی برای خداوند دارد؟ چرا ریتم و آهنگ

نماز این گونه باید باشد؟ چرا گفته شده نماز سنگین است، مگر برای خاشعان؟ خصوصیت خاشعان چیست؟ نماز خاشعانه چیست؟ نماز انسان ساز و رشددهنده کدام است؟ تفاوت انواع نماز را بدانند.

انواع نماز	آیات	آدرس آیات
نماز شکر	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ	بقره: ۲۱
نماز رشد (انسان ساز)	إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ	عنکبوت: ۴۵
نماز انس (آرامش دل)	أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ	رعد: ۲۸
نماز تقرب	وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ	علق: ۱۹
نماز خاشعان	وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ	بقره: ۴۵

می توان در بیان هنری و زیبایی شناختی به کلام معصومان علیهم السلام تأسی جست و نهایت استفاده را برد. برای نمونه، اسراری که امام رضا علیه السلام در رمزگشایی نماز، وضو، اذان و... آن را بیان فرمودند می توان به صورت قصه های عاطفی و هیجانی، و به مقتضای رشد و درک در قالب قصه های شناختی و... بیان کرد که علم پزشکی در قالب چاکراهها (منابع انرژی بدن) آن را به اثبات رسانده است. می توان با توجه به فلسفه و حقیقت نماز، به فلسفه بزرگ نماز پرداخت.

- **پیش نیاز عاطفی و گرايشی:** حالات درونی و تجربه درونی: نمی توان مسائل عقلانی و انتزاعی دین را از ابعاد احساسی آن جدا دانست؛ تا این احساس برانگیخته نشود و وجدان و فطرت انسانی احیا نگردد، ایمان ریشه ندوانیده است و نمی توان توقع ثمر داشت. از این رو، می توان ادعا کرد دین با هنر نقاط اشتراک بیشتری دارد تا با مسائل خشک ریاضی. از منظر صدرالمآلهین اگر قوای نفسانی در حیطه شهوت و غضب کنترل نشوند، تبدیل به احساسات و امیالی می شوند که به عقل صدمه می زنند، اما اگر در راستای عشق به خداوند این عواطف ظهور پیدا کنند جریان کسب معرفت را تسهیل نموده و هموارتر می نماید سبک براءت استهلال یا شکرگزاری، خوش آغازی (آرایه ادبی) که در آیه ۲۸ سوره «مریم» وجود دارد در جهت ایجاد کشش و انگیزه در خواننده برای تعقیب داستان است. عواطف موجب می شود که افراد به صورت کاملاً عمیق با کار درگیر شده و شور و اشتیاق در اعمال آنها تداعی پیدا کرده و کارهای فوق العاده ای به مرحله اجرا درآید (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۱۸). کودک

فطرتی خداجو دارد و مبانی بسیاری از باورهای مذهبی در اندرون اوست که با اندک تذکری از والدین و مربیان و با یافتن مصداق هایی در جهان خارج می کوشد آن را بپذیرد و خود را با آن تطابق دهد. از آنجاکه هدف اساسی پیام های دینی نخست جذب کودکان برای پرورش و سپس سعی در پرورش آنان است، باید از داستان هایی استفاده کرد که چهره های زیبا، دل نشین و مهربان را از خدا و پیامبران و امامان علیهم السلام به نمایش بگذارد. به ویژه داستان های مذهبی که بیشتر با جنبه های احساسی سروکار دارند تا جنبه های شناختی. برای ایجاد میل و رغبت از روش های بیان مهر و قهر (ابراهیم: ۳۱)، تبشیر (عنکبوت: ۴۵) و یادآوری بهره برد.

- **پیش نیاز رفتاری:** التزام درونی: تصمیم گیری، اراده، انتخاب و عمل: باید به کودکان کمک کرد تا طریقی را جستجو کنند که در آن، باورها بر اعمال تأثیر گذارد؛ به گونه ای که اگر فردی دین خود را با علاقه به کار بندد، به سویی سوق داده می شود که طریقی و مخصوص رفتار کند. متأسفانه گاه تعلیم و تربیت دینی در جامعه تنها محدود به القای برخی مفاهیم نظری گردیده است، بدون آنکه کودکان و نوجوانان آنها را باور داشته و در عمل تجربه کرده باشند که مقصود اصلی از دین، مجموعه ای از رفتارها و آثار درونی و برونی است که باید به آنها متعهد شد. بر هیچ کسی پوشیده نیست که دین همواره بیش از آنکه وابسته به حوزه آگاهی های انسان باشد ناظر بر موضع عملی است. اگر بر آگاهی نیز تأکید می شود، صرفاً به منظور انعکاس آن در حیطه اعمال و رفتار انسان است؛ آگاهی و معرفت دینی در صورتی با شخصیت فرد عجین و در او تأثیر می گذارد که با عمل وی مقرون گردد؛ علم پیش روی عمل است و عمل تابع علم است (حموی جوینی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۱). ایمان عقیده به دل و اقرار به زبان، عمل با اعضای بدن است. لذا ایمان قلبی تنها کافی نیست، بلکه باید عامل به اعتقادات بو. در مقام عمل است که علم تجلی می یابد یکی از نشانه های راستگویی این است که گوینده به گفته های خود عمل نموده و گفتارش با کردارش مطابقت داشته باشد. از دیدگاه قرآن، انسان به عنوان موجودی در نظر گرفته شده که خود منشأ عمل خویش است و با همین عمل ها هویت خود را رقم می زند (باقری، ۱۳۸۲، ص ۳۵). خداوند در قرآن، عمل را همه دارایی نهایی آدمی معرفی می نماید (نجم: ۴۰). همچنین چگونگی مسیر زندگی هر فرد را به نحوه عمل او نسبت می دهد و نوع عمل وی را، تعیین کننده مقصد می داند (لیل: ۴-۱۰). سرنوشت آدمی در

دستان او و در گرو اعمال وی است و این امری است که مشیت الهی و خواست خداوند بر آن قرار گرفته است. روحیات انسان در اثر اعمال مکرر وی شکل می‌گیرد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴) و ملکات وجودی او بر اثر تکرار انواع خاصی از اعمال، ایجاد می‌گردد: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام: ۱۶۲)، «لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ» (انعام: ۱۶۳). بنابراین در بحث نماز لازم است هم به بعد معرفتی، هم گرایشی و هم عملی توجه نمود و در داستان‌ها به آن پرداخت.

نتیجه‌گیری

دوران کودکی بهترین زمان برای شکل‌گیری شخصیت افراد جهت ورود به بزرگسالی است. از این‌رو، تربیت در این دوران، از اهمیتی ویژه برخوردار است. متخصصان امر معتقدند: بهترین فرصت پرورش انسان سالم و معقول، سال‌های اول کودکی است. در این زمان، کودکان دارای میل شدید به زیبایی و زیبایی‌دوستی هستند و به اجسام زیبای اطراف خود واکنش نشان می‌دهند. یکی از اهداف مهم و کلیدی آموزش و پرورش پرورش حس زیبایی‌شناختی در کودکان است که در سند تحول نیز به آن توجه شده است. هدف اصلی در آموزش زیبایی‌شناختی، یادگیری از طریق هنر می‌باشد. مازلو در شرح نیازهای انسانی، نیاز به زیبایی را جزئی از شناخته‌ترین نیازهای انسانی می‌داند. قرآن به‌منزله کتاب اصلی تربیت انسان‌ها برای انتقال پیام‌های تربیتی خود به کرات از زبان زیبایی‌شناختی بهره برده است. از نظر اسلام، زیبایی نشانه‌ای روشن از آفرینش الهی است و هر کجا انسان با دیدی زیباشناختی به پدیده‌های آفرینش بنگرد مجذوب زیبایی آن خواهد شد. زیبایی‌شناختی پایه تربیت بوده و عقل و احساس را تحریک و پیرامون انسان را منقلب نموده و انسان را به جست‌وجوی موشکافانه در صورت ادراک‌پذیر هستی و زیبایی سوق می‌دهد. زیبایی‌شناختی وسیله‌ای برای رسیدن به رشد تعالی انسان است. شأن هنری و زیبایی‌شناختی یکی از شئون حیات طیبه است و وجود آدمی در حیات طیبه آراسته به زیبایی است. هدف این ساحت در دوران کودکی را می‌توان تکامل فطرت زیبایی در رسیدن به حیات پاک و افزایش گرایش به زیبایی در وجود کودکان برشمرد.

در تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، قصه و داستان از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هنر، بهترین وسیله برای انعکاس مفاهیم اسلامی و انسانی است، در راستای ترویج و توسعه فرهنگ

نماز، باید از روش‌های نوین قصه‌گویی در انتقال آموزه‌های اسلامی استفاده کنیم. یکی از مؤثرترین پیام‌رسان‌ها داشتن قصه و قصه‌گویی در انتقال پیام‌ها به شرط آنکه، مستند، بروز و مخاطب را به پرسش‌گری وادارد. شیوه‌های انتقال مفاهیم و معارف نماز بسیار مهم است، شیوه‌های نوینی در آموزش نماز، وجود دارد که باید این را مدنظر قرار دهیم. این شیوه‌ها می‌تواند تأثیر بسزایی در جامعه هدف داشته باشد. این شیوه‌ها باید متناسب با سن و درک مخاطب در ابعاد شناختی، گرایشی و عملی مورد توجه قرار گیرند. بنابراین می‌توان گفت: ساحت زیبایی‌شناختی و هنری در راستای ترویج و توسعه فرهنگ نماز و در انتقال آموزه‌های اسلامی قادر است نقش مهمی ایفا کند و موجب یادگیری عمیق‌تر شود. هرچند نیازمند پشتوانه و پیش‌زمینه‌هایی است، نیازمند توجه و بهره‌گیری از عناصر دینی (اعتقادات به‌عنوان وجه شناختی و بینشی، حالات درونی به‌عنوان وجه عاطفی و هیجانی، التزام درونی وجه تصمیم‌گیری اراده و انتخاب و در نهایت عمل) و عناصر تربیتی (دانش و بینش، جوشش و حرکت درونی، معیارها، مطلوبیت و عدم و مطلوبیت و نقد و انتقادپذیری) است. از این‌رو، در انتقال مفاهیم دینی و تربیت دینی در وادی هنر و ادبیات ضمن توجه به ویژگی‌ها و مؤلفه‌های کلیدی و تأثیرگذار در مراحل رشد کودک تمهید، تادیب، بلوغ و اوج بلوغ، اعتدال و اعتلا و گذار صحیح و روشمند از کودکی به بزرگسالی، در هر مرحله از رشد عقلانیت، مطلوبیت، انسانیت و عاملیت می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. با توجه به فضای فکری و روان‌شناختی موجود در کودک عنصر تجربه درونی و اعمال و رفتارها از اولویت خاصی برخوردارند. عنصر اعتقادات و التزام درونی چون به قابلیت ذهنی و روانی نیاز دارد و مفاهیم انتزاعی مطرح در آن می‌بایست فهمیده شوند. علی‌القاعده به لحاظ روان‌شناختی باید موکول به سنین نوجوانی شوند. حالات درونی / تجربه درونی و عمل از دست عناصری هستند که می‌توان در کودکی مطرح کرد؛ زیرا حالات درونی و عواطف در آن بیشتر موج می‌زند. لذا متناسب با سن و شرایط می‌توان در قصه‌ها به تربیت پرداخت. در قصه نیز باید داستانی که استفاده می‌شود اثربخش، بدیع ماندگار، بروز، خلاق، مستند باشد و محتوا و پیام داستان، فرستنده و گیرنده مدنظر قرار گیرد. در محث محتوا نیز هدفمندی، حقیقت‌گویی و حقیقت‌جویی، پرورش صفات اخلاقی، حکمت‌آموزی و ... مطمحنظر قرار گیرد.

دوران کودکی بهترین زمان برای شکل‌گیری شخصیت افراد جهت ورود به بزرگسالی است. از این‌رو، تربیت در این دوران، از اهمیتی ویژه برخوردار است. متخصصان امر معتقدند: بهترین فرصت پرورش انسان سالم و معقول، سال‌های اول کودکی است. در این زمان، کودکان دارای میل شدید به زیبایی و زیبایی‌دوستی هستند و به اجسام زیبای اطراف خود واکنش نشان می‌دهند. یکی از اهداف مهم و کلیدی آموزش و پرورش پرورش حس زیبایی‌شناختی در کودکان است که در سند تحول نیز به آن توجه شده است. هدف اصلی در آموزش زیبایی‌شناختی، یادگیری از طریق هنر می‌باشد. مازلو در شرح نیازهای انسانی، نیاز به زیبایی را جزئی از شناخته‌ترین نیازهای انسانی می‌داند. قرآن به‌منزله کتاب اصلی تربیت انسان‌ها برای انتقال پیام‌های تربیتی خود به کرات از زبان زیبایی‌شناختی بهره برده است. از نظر اسلام، زیبایی نشانه‌ای روشن از آفرینش الهی است و هر کجا انسان با دیدی زیباشناختی به پدیده‌های آفرینش بنگرد مجذوب زیبایی آن خواهد شد. زیبایی‌شناختی پایه تربیت بوده و عقل و احساس را تحریک و پیرامون انسان را منقلب نموده و انسان را به جست‌وجوی موشکافانه در صورت ادراک‌پذیر هستی و زیبایی سوق می‌دهد. زیبایی‌شناختی وسیله‌ای برای رسیدن به رشد تعالی انسان است. شأن هنری و زیبایی‌شناختی یکی از شئون حیات طیبه است و وجود آدمی در حیات طیبه آراسته به زیبایی است. هدف این ساحت در دوران کودکی را می‌توان تکامل فطرت زیبایی در رسیدن به حیات پاک و افزایش گرایش به زیبایی در وجود کودکان برشمرد.

در تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، قصه و داستان از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هنر، بهترین وسیله برای انعکاس مفاهیم اسلامی و انسانی است، در راستای ترویج و توسعه فرهنگ

منابع

- اسکندری، حسین (۱۳۸۶). *آموزش دینی و رسانه*. تهران: کمک آموزشی آموزش و پرورش.
- امین خندقی، مقصود (۱۳۹۲). *طرح ملی ارزشیابی کتاب هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران آموزش*. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کشور.
- امینی، ابراهیم (۱۳۷۹). *اسلام و تعلیم و تربیت*. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- باقری، خسرو (۱۳۷۸). *چهره به چهره. پژوهشنامه ادبیات کودک*، ۱۸، ۲۶-۴۲.
- _____ (۱۳۷۹). *تربیت دینی در برابر چالش قرن ۲۱. تربیت اسلامی*، ۳، ۱۴-۳۶.
- _____ (۱۳۸۲). *نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: مدرسه.
- باهنر، ناصر (۱۳۷۸). *آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- بیانات رهبر معظم انقلاب، در: khameniei.ir
- پروینی، خلیل (۱۳۷۹). *تحلیل ادبی و هنری داستان‌های قرآنی*. تهران: فرهنگ گستر.
- پورحسینی، محمد (۱۳۹۱). *تبیین دیدگاه دیوبندی در خصوص هنر و زیبایی‌شناسی و نقد دلالت‌های آن برای فرایند یادگیری با تأکید بر آرای زیبایی‌شناسی ابوحنیف توحیدی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- پورخالقی چترودی، مهدخت (۱۳۷۱). *فرهنگ قصه‌های پیامبران*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- تقی‌پور، مریم (۱۴۰۲). *تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی با ابزار هنری*. تهران: آوای چلچله.
- جلائی، حسین (۱۳۹۹). *روش‌های تربیت عبادی فرزندان در سیره معصومین. تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ۳۶، ۲۹۱-۳۰۴.
- حافظی، علیرضا (۱۳۸۰). *بحث می‌ماند برای جلسه بعد*. در: *مجموعه‌گزیده مقالات همایش بررسی داستان‌های دینی*. به کوشش شهرام اقبال‌زاده. تهران: دفتر ادبیات داستانی.
- حسینی ژرفا، ابوالقاسم (۱۳۷۷). *مبانی هنری قصه‌های قرآن*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- حسینی محدثی، ابوالقاسم (۱۳۸۱). *مبانی هنری قصه‌های قرآن*. گلستان قرآن، ۱۲۷، ۳۰-۳۵.
- حموی جوبنی، ابراهیم (۱۳۷۹). *مسند الإمام الرضا*. ترجمه عزیزالله عطاردی. تهران: صدر.
- حیدری، ناهید (۱۴۰۰). *تبیین تحلیلی تربیت عبادی کودک بر اساس اندیشه ابن‌سینا. تربیت اسلامی*، ۳۶، ۹۳-۱۱۱.
- داووی، حمید (۱۴۰۰). *اصول تربیت عبادی با تأکید بر قرآن و روایات. مطالعات فقه تربیتی*، ۳۶، ۳۷-۶۱.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی و نجفی، علی (۱۳۹۵). *تربیت عبادی از منظر قرآن کریم*. قرآن و علم، ۱۴، ۵۳-۸۶.
- سلیقه‌دار، سکینه (۱۳۹۹). *نقش قصه و تأثیر آن در یادگیری. رشد آموزش و زبان ادبیات فارسی*، ۱(۳۴)، ۱۳-۱۵.
- سلیمانی، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۵). *تحلیل محتوای مؤلفه‌های دینی در مجلات کودک و نوجوان. تربیت اسلامی*، ۱۱(۲۳)، ۱۹-۷.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). *تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی*.
- شجاع‌پوریان، ولی‌الله (۱۳۹۲). *تأملی در شاخصه‌های قصه در قرآن. ادب عربی*، ۲، ۱۱۳-۱۳۳.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۶). *پرورش حس مذهبی در کودکان و نوجوانان*. در: ansarimoshaver.bloghfa.com
- شکراللهی، مهدی (۱۳۹۰). *تربیت عبادی کودکان. اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۵، ۱۰۵-۱۳۲.
- _____ (۱۳۹۶). *تربیت عبادی کودکان در اسلام*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- عسکری، محمد (۱۳۷۹). *بررسی نگرش و راه‌های جذب دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه استان همدان نسبت به طرح اقامه نماز*. نیایش، ۲(۱)، ۳۳-۴۹.
- فرضی‌شوب، منیره (۱۳۹۳). *اصول مخاطب‌شناسی از دیدگاه امام علی در نهج البلاغه*. سراج منیر، ۵(۱۶)، ص ۶۷-۸۶.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۳). *نکته‌های روان‌شناختی در تربیت دینی فرزندان (نماز و خانواده)*. تهران: ستاد اقامه نماز و احیای زکات.
- کاظمی، حمیدرضا (۱۳۹۳). *برنامه درسی و تربیت اخلاقی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- گات بریس، مک آیورلویس دومینیگ (۱۳۹۱). *دانشنامه زیبایی‌شناسی*. ترجمه شیده احمدزاده و مسعود قاسمیان. تهران: فرهنگستان.
- محمدی، ری‌شهری، محمد (۱۴۳۳). *میزان الحکمه*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
- مرویان حسینی، محمود (۱۳۸۴). *اهداف تربیتی در قصه‌های قرآن، پژوهش‌های قرآنی*، ۴۱، ۲۰-۲۲۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). *فلسفه اخلاق*. تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۷۸). *فرهنگ معین*. چ چهاردهم. تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملیولی، محمدتقی (۱۳۷۶). *تحلیلی نواز قصص قرآن*. تهران: امیرکبیر.
- ملکی، حسن و دیگران (۱۳۹۰). *تربیت عبادی کودکان. اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۳(۱)، ۱۰۵-۱۳۲.
- موسوی‌ندوشن، فاطمه‌سادات (۱۴۰۲). *پدیدارشناختی شایستگی‌های پایه آموزگاران برای تحقق ساحت تربیت عبادی، اعتقادی و اخلاقی*. پژوهش در مسائل تربیت، ۵۸، ۲۴۵-۲۷۲.
- یاوری، محمدجعفر (۱۳۷۹). *بررسی مفهوم اقامه نماز در آیات و روایات*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.